

بسم الله الرحمن الرحيم

ورسای و مونیخ؛ کنفرانس‌های مکارانه و ضد اسلام و مسلمین!

(ترجمه)

حدود دو هفته قبل، دو کنفرانس مهم منعقد گردید. کنفرانس اول، کنفرانسی بود که در "لهستان" زیر نام صلح و امنیت در خاورمیانه، تحت نظارت امریکا منعقد شد که در این کنفرانس بیشتر از شصت دولت از جمله: کشورهای بحرین، سعودی، عمان، اردن، یمن... حضور داشتند. کنفرانس دوم، کنفرانسی نوبتی است که همه ساله در مونیخ آلمان دایر می‌شود. کنفرانس امسال نیز تحت نام "پنجاه و پنجمین کنفرانس مونیخ برای سیاست‌های امنیتی" برگزار شد.

بدون شک اشخاص پی‌گیر و آگاه مسائل سیاسی می‌دانند که در هر دو کنفرانس، مسئله مشترک، جنگ بر ضد تروریسم که منظور آن جنگ بر ضد اسلام است، می‌باشد. هر چند در ظاهر کنفرانس "ورسای" روی رفتارهای سیاسی و فعالیت‌های هسته‌ای ایران تمرکز شد؛ اما امریکا می‌داند: ایران شعاری‌ست که از زمان خمینی و انقلاب‌اش، آن را به نفع خود استفاده نموده و ایران برای انجام دادن این وظیفه‌اش به بهترین شکل کار کرده است. امریکا، ایران را شعاری برای رسیدن اهداف خود قرار داده؛ همان‌گونه که موجودیت القاعده، طالبان و جنایات داعش در عراق برای امریکا بهانه‌ای برای استعمال سلاح‌های کشتار جمعی بوده و حضورش را در سرزمین‌های اسلامی به همین بهانه‌ها مشروع جلوه داده است؛ پس امریکا از ایران به خاطر مشروع جلوه دادن حضورش در منطقه استفاده نموده و شعارهای امریکا در مورد ایران، که برجسته‌ترین موضوع کنفرانس "ورسای" بود، به خاطری که توجه مردم و منطقه را به این مسئله جلب نموده و افکار عامه را از سیاست‌های مرموزانه امریکا دور نگهدارد، استفاد می‌نماید؛ اما عمده‌ترین اهدافی که در پشت کنفرانس "ورسای" نهفته است، دو هدف اساسی بوده که از طرف امریکا راه‌اندازی شده است.

اول: هدف امریکا از کنفرانس "ورسای" این است که چهره منحوس دولت یهود را از طریق چنین کنفرانس‌های برای مسلمانان مشروع جلوه داده و نمایش چهره ناپاک این رژیم را در کنفرانس‌های بین‌المللی عادی سازد؛ چنان‌چه این مسئله از رفتار و نشست وزیر خارجه یمن با "نتنیاها" وزیر خارجه دولت یهود به وضاحت دیده می‌شد. وقتی که "نتنیاها" می‌خواست سخنرانی‌اش را آغاز کند، وزیر خارجه یمن مایک او را روشن و آماده ساخت و هم‌چنان وقتی که روزنامه‌نگاران از "عادل الجبیر" پرسیدند که آیا روابط سعودی با رژیم یهود، عادی خواهد شد؟ "عادل الجبیر" مطابق به خواست بادارش امریکا پاسخ داد.

"پامپیو" وزیر خارجه امریکا، در این کنفرانس از صفت‌القرن و حل قضیه فلسطین صحبت به زبان آورد؛ بناءً هدف امریکا از برگزاری این کنفرانس، علنی ساختن و عادی‌سازی نظام‌های عربی و دولت یهود بود؛ مخصوصاً امریکا درک نموده که حکام دولت‌های عربی می‌خواهند با یهود بنشینند و روابطشان را با این رژیم اشغال‌گر عادی سازند. "پامپیو" اظهار داشت که روابط بن سلمان، بن زاید و قابوس از آن دور نمی‌باشد.

دوم: عمده‌ترین موردی که در کنفرانس "ورسای" مورد بحث و مناقشه قرار گرفت و به‌خاطر آن هدف کنفرانس "ورسای" دایر گردیده بود، جنگ علیه اسلام تحت نام جنگ با تروریسم می‌باشد. امریکا می‌داند؛ اگر مسلمانان دولتی داشته باشند، جهان به‌طرف آن‌ها می‌رود؛ به‌همین دلیل می‌خواهند که جلو این رویداد دیگرگون کننده را بگیرند؛ لذا در پی ایجاد ائتلافاتی؛ هم‌چون ناتوی عربی است.

کنفرانس نوبتی مونیخ که تحت نظارت اروپا و آلمان برگزار شد، برجسته‌ترین عنوان آن جنگ بر ضد تروریسم تحت نام جنگ علیه داعش بود. در این کنفرانس مانند کنفرانس "ورسای" جنگ بر ضد ایران را شعار ندادند؛ زیرا وزیر خارجه ایران در کنفرانس مونیخ حضور داشت؛ اما در کنفرانس "ورسای" دعوت نشده بود؛ با وجودی که کنفرانس مونیخ عناوین متعددی از جمله قضیه پناهندگان، مرزها و سلاح‌های بالستیکی را با خود داشت؛ اما برجسته‌ترین عنوان آن جنگ بر ضد تروریسم بود. واضح و روشن است که بارزترین عنوان کنفرانس مونیخ همین مسئله بوده؛ چنان‌چه رئیس این کنفرانس گفت: «حالا نشانه‌های مخرب و ویران‌کننده‌ای در نظم بین‌المللی دیده می‌شود و بر اروپا لازم است که نظم جدید بین‌المللی را جستجو کند.»

اروپا می‌داند تمام اقداماتی که امریکا به آن متوسل شده و انجام می‌دهد، به هدف ضربه زدن و پراگنده نمودن اروپا می‌باشد. اخراج امریکا از معاهده امضاء شده بین امریکا و روسیه-که سه دهه دوام داشت- بر ضد اروپا بود. معاهده‌ای که به اساس آن روسیه از ساخت و ساز موشک‌های کوتاه‌برد و میان‌برد جلوگیری می‌شد، بیرون شدن امریکا از این معاهده به معنی مسابقه تسلیحاتی جدیدی است که اروپا را مورد اصابت و هدف موشک‌های روسیه قرار می‌دهد؛ هم‌چنان بیرون شدن امریکا از توافق‌نامه ایران، که در سال **2015**م به امضاء رسیده بود، نیز بر ضد اروپا می‌باشد. شرکت‌های اروپایی که در ایران تحت تحریم‌های اقتصادی قرار گرفت، به مراتب بیشتر از شرکت‌های امریکائی است. برعلاوه آن، امریکا مالیات گمرکی زیادی را بر تمام کالاهای اروپایی وضع کرد که به میلیاردها دالر می‌رسد و به همین ترتیب، اگر مسائلی دیگری بر این تهدیدات امریکا اضافه کنیم، اخطار امریکا مبنی بر بیرون شدن‌اش از پیمان ناتو، سازمان تجارت... از تهدیدات امریکا بر ضد اروپا می‌باشد. بناءً از این مسائل درک می‌شود که اروپا بر امریکا اعتماد نداشته و از آن در هراس است. بدون شک اکنون روابط اروپا و امریکا در وزشگاه باد قرار گرفته و این مسئله‌ایست که شبکه عربی اسکای نیوز آن را عنوان نموده است. البته این جنجال‌های اروپا و امریکا از چشم رئیس جمهور روسیه پنهان نمانده؛ چنان‌چه رئیس جمهور این کشور اروپا را در سخنانی خود مخاطب قرار داده گفت: «این‌که شما نمی‌خواهید موشک‌های امریکا را در خاک خود بپذیرید، چی دلیل دارید؟»

یقیناً امریکا و اروپا در جبهات مختلفی در جنگ‌اند؛ اما مهم‌ترین جبهه جنگ‌شان اسلام و مسلمانان و جلوگیری از ایجاد دولت اسلامی است؛ دولتی که امت مسلمه را جمع می‌کند. جبهه دوم جنگ امریکا و اروپا کشمکش‌هایی است که هر از گاهی ظاهر می‌شود و اختلاف بر سر منافع‌شان به‌وجود می‌آید. این اختلافات تا اکنون به نحوی پنهان مانده بود انگار این اختلافات

تا حالا در زیر میز بود؛ اما اکنون این اختلافات بر روی میز آمده و احتمال می‌رود که در ماه‌های پیش‌رو به اشکال دیگری ظاهر شود.

بعضی توافق‌نامه‌هایی که دولت‌های کفری را دور هم جمع می‌کند، هویدا می‌سازد که آن‌ها دشمن مشترک دارند و آن اسلام، عقیده اسلامی و مسلمانان است. اگر امریکا و اروپا از اسلام ترس نمی‌داشتند؛ بدون شک بار دوم مانند جنگ جهانی اول و دوم را به راه می‌انداختند و بدون شک، اگر کفار ترس این را نداشته باشند که اسلام به زودی به دولت مقتدری می‌رسد؛ هرگز به این شدت و خشم در برابر آن نمی‌جنگیدند. پس سوال اینست که آیا مسلمانان بر دین و اسلام‌شان اعتماد می‌کنند؟ بدون شک که هیچ عزتی برای امت مسلمه بدون کیان و دولت نخواهد بود و اگر بدون دولت به همین منوال بمانیم، امت مسلمه مانند کف دریا به همین شکل بی‌خاصیت باقی می‌ماند که هیچ وزنه و ارزشی در دنیا ندارند. بدون شک، چیزی که امت مسلمه را امت واحد می‌سازد، دولت خلافت است؛ دولتی که عزت و قدرتی در آن است که اگر قلدران و سران کفر بدانند که خلیفه مسلمانان در حال آماده کردن لشکری است تا سرزمین‌های‌شان را فتح کند، به لرزه در می‌آیند.

(إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيداً وَتَرَاهُ قَرِيباً)

[معارج: 6-7]

ترجمه: آنان آن روز را بعید و دور می‌دانند و ما آن را ممکن و نزدیک می‌دانیم.

برگرفته شده از: جریده الرایه

نویسنده: استاد ابوالمعتز بالله "اشقر"

21 جمادی الثانی 1440 هـ ق

27 فبروری 2019 م